



کتابخانه
مجلس

۱۷۴۹۲

۱۳۱۲

و در شهر نیریز در روز شنبه ۱۷۴۹۲

در شهر نیریز در روز شنبه ۱۷۴۹۲
و در شهر نیریز در روز شنبه ۱۷۴۹۲

۱۷۴۹۲

در شهر نیریز

در شهر نیریز

کمال

در شهر نیریز

در شهر نیریز

۱۳۱۲

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

بن منصور
 بن ابی تراب بن شیخ صالح
 در بیان حوائج مردم و فرقان و آنگاه که بر آید
 استیلا یافته حاجی که اجانب خفت در آنجا بدین قیاس
 بدو گشتند سلطان ابو سعید بآیت قدوسه و قات آیت
 قلی میرزا را که در کسب استقلال پادشاه و در کسب برتری
 بر آن سلطان حسین میرزا ابهر اصفی خستند و برادر آن
 و سایر آراف بیع الاوان میرزا باورش برکاه و شاه خست
 پادشاه و سلطان حسین میرزا را خست و بیست و سه سال
 و از میان بود و چون بدو را هم سلطت جای نمود و کلاه بر آرد آن
 بخت بود و پادشاه من میرزا ابهر شیخ بوزیر میباشم
 و وزیر شیخ که خان اولاد را که خستند بکمال وقت
 ببار و در آنرا که بجهت حکم شاه سلطان ناصر
 محال افت و در آنجا که سلطان ناصر
 مجد آورده و در آنجا

[illegible]

نکست داد و در آن وقت
چون برادر او بخت و شانس آمد خواجه
از یک کجای راجعت و داد و بخت و شانس آمد خواجه
که هیچ تنگ نباشد و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
برادر او را تا قیام کرد و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
با این که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
فرمان داد و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
من عیان جان و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
حسن ملک و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
با این که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت

در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
فرمان داد و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
من عیان جان و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
حسن ملک و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
با این که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
فرمان داد و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
من عیان جان و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
حسن ملک و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
با این که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت
که در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت و در آن وقت

بافت در آن آتش طغیان کرده و بر طغیان او عیدیت حاکم شد
نه چنان یک در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
فایده آن که در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
میکرد و از طرف آنکه در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
است و آن این که در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
کنند و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
عادل عیدیت و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
و اما در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
نشد و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
از آنجا که در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
آورده و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد

بافت در آن آتش طغیان کرده و بر طغیان او عیدیت حاکم شد
نه چنان یک در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
فایده آن که در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
میکرد و از طرف آنکه در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
است و آن این که در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
کنند و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
عادل عیدیت و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
و اما در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
نشد و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
از آنجا که در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد
آورده و در آن طغیان و نه بر طغیان او عیدیت حاکم شد

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

شاه بهرامشاه
 سال بود دست خورشیدش کمال
 سواد نوزده روز اولادش
 اول از ابراهیم خان که در جلال
 سلطان خانی بودیم و خواجه خان که در جلال
 بیو کو از اولاد علی خان و قزوین نمانده بود که حکم ایل خان را تمامه انقب برد چون قاضی خان در
 است رسیده اتفاقاً در شهر که به صلح عباس میرزا اوضاع کنونی خراسان شد و قیامش در قزوین از راه خود ولادت سلطان خانی
 برآمد
 بهشت در زرتشت از رسیده سلطان محمد میرزا را بر این در زرتشت از رسیده سلطان خانی در جلال
 شاه سلطان محمد بن خورشید بهشت خیمه خواجه خان و قزوین نمانده بود که حکم ایل خان را تمامه انقب برد چون قاضی خان در
 المیرزا و قزوین بهشت خیمه خواجه خان و قزوین نمانده بود که حکم ایل خان را تمامه انقب برد چون قاضی خان در
 خورشید بهشت خیمه خواجه خان و قزوین نمانده بود که حکم ایل خان را تمامه انقب برد چون قاضی خان در
 از قزوین بهشت خیمه خواجه خان و قزوین نمانده بود که حکم ایل خان را تمامه انقب برد چون قاضی خان در

[illegible]

[illegible][illegible]

فان با سوال بپايش
آورده بود که آن را به يوسف ن داده
فرستادن بدان يك قبل از خود به پنهان بپوشان
ارشد و دادن اين ايتن جانب جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
پنج آن تا چون يك در صفان جانب جان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
نخن شده به استات او را از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
سواران يوسف ن از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
که به پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
و خود از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
میکند نخن شده که در پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
مکن و پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
فرستادن جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
جانب جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
که به پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
سواران يوسف ن از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان

فرستادن جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
جانب جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
که به پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
سواران يوسف ن از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
و خود از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
میکند نخن شده که در پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
مکن و پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
فرستادن جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
جانب جان و در ارباب يوسف ن در پنهان بپوشان
که به پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان
سواران يوسف ن از پنهان آورده بشير از رفتن يوسف ن در پنهان بپوشان

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or administrative document. The text is dense and covers most of the page.

تاریخ
سلطان

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of a historical or administrative document. The text is dense and covers most of the page.

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

محم

کتابخانه

کتابخانه

موزه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

چهارم

کتابخانه



کتابخانه

کتابخانه